

عبسی کلاتری رئیس سازمان محیط زیست کشور، دیدگاه رئیس جمهوری به حوزه محیط زیست را استراتژیک می داند و نه احساسی، او خود جامع نگری و کلان نگری را علاج مشکلات و چالش های محیط زیستی می داند، همچنان که برای احیای دریاچه ارومیه، معیشت کشاورزان دیده شد تا در پروژه احیای دریاچه مشارکت کنند، او برای مدیریت حوزه های زاگرس و البرز هم پروژه های کلان پیشنهاد می دهد و می گوید: «مسائل زاگرس را باید در حوزه جنگل، مرتع، دام، خاک و توسعه زاگرس به صورت جامع و کلان دید. زاگرس نشین محکوم نیست که مثل هزار سال پیش زندگی کند. همه اینها را باید در قالب یک پروژه جدید دید؛ الاّن فایده ندارد ما بنشینیم و بگوییم ۱۰۰ هزار هکتار زاگرس سوخت. من اعتقاد دارم البرز و مناطق کویری هم باید یک پروژه تعریف شود.»
باین حال این طرح ها با جیب خالی بلند پروازی توصیف می شود چیزی که عبسی کلاتری هم بر آن اذعان دارد. «ما در حال حاضر به کمبود منابع مالی برخورد داریم. اگر زاگرس یک پروژه ۱۵- ۱۰ سال داشته باشد، باید سالی ۲ تا ۳ هزار میلیارد تومان هزینه شود.»
با وجود این رئیس سازمان محیط زیست دولت تدبیر و امید، عملکرد این سازمان را بویژه در حفظ منابع زیست محیطی در حال انقراض مثبت ارزیابی می کند. گفت و گوی ما با عبسی کلاتری از نظراتان می گذرد:

■ آقای کلاتری سال آخر دولت روحانی است و سه سال از هفت سال گذشته، شما مدیریت سازمان حفاظت محیط زیست را به عهده داشته اید. عملکرد و کارنامه محیط زیستی در دولت ایشان را چگونه ارزیابی می کنید؟

وقتی آقای روحانی از من خواست به سازمان محیط زیست بیایم دستور پیگیری ۴ مسأله گرد و غبارها، پسماندها، هوای کلانشهرها و حقایقه تالاب ها را به من داد. البته این مسائل جزو وظایف سازمان است اما شاید از دید ایشان یک مقدار در این حوزه ها در گذشته کم توجهی شده بود. در بخشی از مأموریت های محوله موفقیت های خوبی به دست آوردیم اما در بخش هایی نیز با عدم همراهی مجلس قبل، از جمله در حوزه پسماندها روبه رو شدیم و عقب افتادیم. ولی از آن چیزی که پیش بینی شده بود در بخش های دیگر مثلاً در حوزه بهبود کیفیت هوای کلانشهرها، همپاگر دوغبارها و حفاظت و حراست از منابع زیستی در حال انقراض خوب عمل کردیم. به نظر هم آقای روحانی با توجه به پیشینه سیاسی و امنیتی اش، به محیط زیست از بعد استراتژیکی نگاه می کند نه احساسی. محیط زیست یک فصل بین بخشی است. فقط به آب، صنعت، کشاورزی یا آموزش و پرورش محدود نمی شود. به همین دلیل اکثر دستاوردهای مابه دلیل فشار ایشان بر سایر بخش ها در راستای حفاظت محیط زیست بین بخشی، به دست آمد.

■ گفتید مجلس قبل در مواردی با شما همکاری نکرد، آیا احتمال می دهید موارد باقی مانده با مجلس جدید به سرانجام برسد؟

مجلس جدید، هندوانه نبریده است.

■ مجلس قبل در چه مواردی با شما همکاری نکرد؟

آن مجلس در مورد پسماندها با ما همکاری نکرد.

■ دلایل اعتباری بود؟

بله. ۱۳ میلیارد دلار دولت در لایحه بودجه سال ۹۶ برای ساماندهی پسماندها به بویژه در حوزه شمال کشور پیش بینی کرده بود. مجلس این پول را به ارگان های دیگری داد. در صورتی که ما می توانستیم تکلیف پسماندهای شمال را باین اعتبار یکسره کنیم اما متأسفانه در اولویت مجلس قرار نگرفت.

■ آن اعتبار را به کدام ارگان دادند؟

بخش دفاعی. بنابراین منبع مالی برای حل پسماند نماند. ۱۳ میلیارد دلار از محل صندوق توسعه ملی پیش بینی شده بود. اگر این اعتبار پرداخت می شد، مشکل پسماندهای شمال کشور حاکم ظرف سه سال حل می شد.

■ برنامه حل پسماند به چه صورت بود، آیا بحث زیاله سوزها در میان بود یا زیانقت؟

چیزی که مهندسین مشاور پیش بینی کرده بودند در بخش های مختلف اعم از زیاله سوز، بازیافت و تولید برق بود که متأسفانه مجلس قبلی همراهی نکرد.

■ مجلسی ها در گفت و گوهای رسانه ای گفته اند محیط زیست برنامه مشخصی برای حل معضل پسماند ارائه نداده بود و ارتباط مؤثری با مجلس نداشت...

مجلسی ها وجود نداشت، چطور اعتبار را به بخش های دیگری دادند.

■ نماینده ها در مجلس گذشته گفته بودند پردیسان مار ابرایر پرداخت این اعتبار توجیه نکرد...

دنیا بلهانه هستند. قاعدّاً در فصل بودجه، دستگاه های دولتی نباید به مجلس بروند. سازمان برنامه و بودجه از لایحه دفاع می کند. لایه برای مجلس جای دیگری، اولاتر از پسماندهای شمال بود.

■ یکی از وعده های انتخابی آقای روحانی حقایقه زیست محیطی بود و برخی از منتقدان بخش محیط زیست دولت اعتقاد دارند که ایشان توانسته به این وعده تاسال مهمت دولت، جامه عمل نبوشاند، نظر شما چیست؟

بله. یکی از وعده های ایشان تأمین حقایقه زیست محیطی تالاب ها بود و ما هم تا کنون در مورد نزدیک به حقایقه ۴۰ تالاب با وزارت نیرو به تفاهم رسیدیم و برنامه تأمین حقایقه آنها به تأیید شورای عالی تالاب ها هم رسید.

عبسی کلاتری در گفت و گوبا «ایران»

از جامع نگری و نگاه استراتژیک به محیط زیست می گوید

# مدیریت محیط زیست جای احساس گرایی نیست



سید مجیدی ایران

از ابتدای سال جاری حتی مجوز یک

خودرو تولیدی پیورو ۴ را به خودروسازان نداده ایم اما ۵ هزار تاکسی و ۴۷۰۰ دستگاه وانت ونیسان ساخت سال گذشته، آماده تحویل بودند که مجوز توزیع آنها داده شد.

ولی در سال جاری، راهنمایی و رانندگی اجازه شمارش گذاری خودروهای پیورو ۴ با موتور پیورو ۴ را ندارد.

■ اما یک سری از خودروها امسال بدون پلاک در خیابان ها دیده شدند...

این دیگر وظیفه راهنمایی و رانندگی است که ماشین های بدون پلاک را بخواباند، این وظیفه به محیط زیست بر نمی گردد.

■ موضوع این است که خودرو سازان قانون محیط زیست را دور می زنند.

ببینید طبق قانون اگر خودرویی بدون پلاک باشد باید به طور کامل متوقف شود. البته خودرو بدون پلاک در خیابان نیست.

■ آمارهای سازمان تحت نظارت خودتان می گوید که هست؟

می دانم یک تعدادی [خودروی بدون پلاک] بود اما جمع کردند. قبلاً [خودروسازان] می گفتند تکنولوژی [ساخت] پیورو ۵ را ندارند اما این مطلقاً واقعیت نداشت. تکنولوژی اش وجود داشت چون ۱۰ میلیون تومان هزینه ساخت هر ماشین بیشتر می شد تولید نمی کردند.

■ خودرو سازان الان هم پای تحریم ها و مسائل اقتصادی ای می کشند؟

تحریم ها و مسائل اقتصادی ی بهانه بود. افزایش هزینه ساخت هر ماشین دلیل اصلی خودداری آنها از تولید خودروی استاندارد بود. این هزینه هم از سود آنها پراخت می شود. مسأله دیگری که ما موفق به حل آن نداشتیم هزینه موضوع گرد و غبار است. خوشبختانه ما گرد و غبار های وحشتناک سال های قبل را نداریم.

■ بسیاری آلودگی ها را از غبارها و مائثرات بارش های دوسال اخیر می دانند.

ببینید مسأله همین است، باران در کنار رعایت عوامل دیگری به کاهش تولید گرد و غبارها انجامید. اگر باران ببارد ولی ما مناطق را فرق نکنیم دوباره شاهد گرد و غبارها خواهیم بود. باران خاک را به کلوخ تبدیل می کند که در مقابل باد مقاوم است اما وقتی دام وارد می شود کلوخ ها را با سم به ذرات خاک تبدیل می کند دوباره گرد و غبار بایند می شود. بنابراین ما با قفرق، فر آیند تثبیت خاک در دنبال افزایش باران تکمیل کردیم. البته بیشترین گرد و غبار های ما در جنوب غرب کشور منشأ خارجی دارد و منشأ داخلی

هم داشتند نمی توانستند وسعت زیادی را

هم نهال کاری کنند. مثلاً با ۱۰۰ میلیارد تومان می توانستند حداقل دوهزار هکتار رانهای کاری کنند در صورتی که با همین میزان اعتبار می شود بیش از ۳۰۰ هزار هکتار قفرق کرد.

■ البته در حوزه نهال کاری بحث مشارکت مردمی و ایجاد شغل جایگزین به جای دامداری و توجه به معیشت جوامع محلی در طرح های زیست محیطی و مرتعی بسیار مهم است.

ببینید ایجاد اشتغال یک مسأله است و جلوگیری از گرد و غبار مسأله دیگری نباید این ها را به هم وصل کرد و گرنه شما همیشه باید در گرد و غبار زندگی کنید. ماوسازمان جنگل ها موظف به ایجاد شغل نیستیم.

■ بله، ایجاد شغل وظیفه این دودستگاه نیست اما تجربه نشان داده، بدون مشارکت مردمی و توجه به اقتصاد خانواده ها نمی توان از منابع طبیعی و محیط زیست حفاظت نتیجه بخش کرد. چون شما با قفرق از درآمدزایی بیشتر امدار جلوگیری می کنید.

ما می گوئیم مثلاً دامدار در دشت های خوزستان برای چرای گاوها ۲۰ کیلو گرم در هکتار گیاه خشک می خواهد. هر کیلو گیاه خشک، ۱۰۰ تومان می شود. یعنی هزینه تأمین آن علوفه ۲۰۰ هزار تومان است اما اگر بخواهیم یک هکتار نهال کاری کنیم ۲۰۰ میلیون تومان هزینه می خواهیم.

■ من توجه صحبت شما مستقیم اما شما هم می دانید ایجاد شغل یکی از پیش نیازهای حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست است قطعاً روستایی گرد و غبار را به تنگدستی ترجیح می دهد.

دامداران دو گروه هستند، دامدار قانونمند و غیر قانونمند. یعنی یا مجوز دارند یا ندارند. آنهایی که مجوز دارند، خسارت شان داده می شود به آنهایی هم که مجوز ندارند خسارتی پرداخت نمی شود. به خطای که نباید پول داد. تمام این ها هم هزینه اش کمتر از یک درصد هزینه نهال کاری است، عملکرد به مراتب بالاتری هم دارد. بله ایجاد اشتغال در حوزه نهال کاری باعث شده بود که سازمان جنگل به این مسیر هدایت شود اما کارایی نداشت.

■ یکی از روش های تثبیت گرد و غبارها که منتقدان زیادی دارد مالچ پاشی است.

مسأله همان ۸-۷ روستای خوزستان است که

پوشش گیاهی هم ندارد.

■ مستندات و عکس های ما چیز دیگری

می گوید و وجود پوشش گیاهی در برخی از مناطق مالچ پاشی شده را اثبات می کند.

تخلف سازمان جنگل هاست.

■ شما بر عملکرد سازمان جنگل ها نظارت

ندارید؟

چرا ولی ۵-۴ هزار هکتار به اجبار مالچ پاشی شد. گفتیم انتخاب بین بد و بدتر است. ارزش زندگی انسان ها کمتر از یک سوسمار نیست. جوسازی های بیش از حد می شود که البته به نفع محیط زیست است اما واقعیت ها در آن نیست. مثلاً همین آتش سوزی ها در خائیز که رسانه های خارجی هم به آن پرداختند. حتی یک حیوان زنده هم در آن نسوخت. عکس ها متعلق به لاشه یک حیوان مرده بود.

■ البته در آتش سوزی خائیز تنها گونه های حیوانی نبودند و گونه های گیاهی و درختی زیادی از بین رفت.

کسی منکر اهمیت خائیز نیست. آتش سوزی بخشی از طبیعت جنگل است. در مواردی هم آتش سوزی ها به صورت عمدی یا سهوی اتفاق می افتد که به فرهنگ مردم برمی گردد. پایین بودن فرهنگ مردم در برخی مناطق هم به کم کاری ما برمی گردد. تمام مناطق جنگلی که در کشور آتش گرفت، کمتر از ۱۰۰۰ هکتار بود. در بخش مراتع هم ۸۰۰۰ هکتار در آتش سوزی ها سوخت.

■ نقشه هوایی منطقه حفاظت شده خائیز نشان می دهد که تنها در این منطقه ۱۶۰۰ هکتار سوخته است.

این ها مرتع است، جنگل نیست. کل اراضی جنگلی که در تمام کشور سوخته است به ۱۰۰۰ هکتار نمی رسد. دوسال پیش در استرالیا دو میلیون و ۴۰۰ هزار هکتار جنگل اکوالیپتوس سوخت. همین الان در تهران بیش از ۷۰۰۰ هکتار دارد می سوزد. در همین پارک پردیسان که ماشین آتش نشانی هم در ۲ کیلومتری آن ۲۴ ساعته حضور دارد، سه بار آتش سوزی داشتیم.

■ شما آتش را بخشی از طبیعت جنگل می دانید. مسعود منصور، رئیس سازمان جنگل ها از توجه رسانه های زاگرس متعجب است. در حالی که می دانید ۴۰ درصد آب کشور در زاگرس ذخیره است. وقتی زاگرس می سوزد، شدت سیلاب و فرسایش خاک بالا می رود، امالی بیگاری می شوند و مهاجرت بومی ها رقم می خورد.

شما حساب کنید چقدر آتش سوزی اتفاق افتاده است. ۱۰ میلیون هکتار جنگل داریم یک ۱۰ هزار موش سوخته است.

■ مشکل زاگرس که فقط آتش سوزی نیست. بخشی از جنگل های زاگرس با بیماری از بین می رود و بخشی از آنها با ساخت و ساز قطع می شود.

صحبت ما الان آتش سوزی است.

■ وقتی آتش سوزی هم به عوامل تخریب محیط زیست زاگرس اضافه می شود، حجم خسارت ها بالا می رود.

برای مدیریت زاگرس ایجاد یک پروژه کلان را پیشنهاد دادیم. مسائل زاگرس را باید در حوزه جنگل، مرتع، دام، خاک و توسعه زاگرس به صورت جامع و کلان دید. زاگرس نشین محکوم نیست که مثل هزار سال پیش زندگی کند. همه اینها را باید در قالب یک پروژه جدید دید. الاّن فایده نداره ما بنشینیم و بگوییم ۱۰۰ هزار هکتار زاگرس سوخت. من اعتقاد دارم برای البرز و مناطق کویری هم باید یک پروژه تعریف شود. ولی ما در حال حاضر به کمبود منابع مالی برخورد داریم. اگر زاگرس یک پروژه ۱۵- ۱۰ ساله داشته باشد، باید سالی ۲ تا ۳ هزار میلیارد تومان هزینه شود.

هزینه هم هزینه ای است که دولت ها به سرمایه گذاری بخش خصوصی در زاگرس استقبال می کنیم. بخش هایی از زاگرس هم ممکن است با منابع خارجی سرمایه گذاری شود ولی یک بخش هائی مستقل و وظیفه دولت است. دولت الاّن با کمبود اعتبار روبه روست.

■ از احتمال ورود بخش های خارجی برای سرمایه گذاری در زاگرس صحبت کردید. فکر می کنید سازمان های بین المللی بتوانند پروژه های جدید را در حوزه محیط زیست تعریف کنند؟

الاّن که نزدیک به سه سال است که تحریم هستیم و خارجی ها جواب ما را هم نمی دهند. تنها منبع مالی خارجی اخذ شده در این مدت برای ساماندهی هامون است که آن هم بعد از دوسال رفت و آمد بررسی به ۱۰ میلیون یورو محدود شد. این پروژه هم برای احیای هامون نیست بلکه به دنبال آن است تا جوامع محلی حاشیه هامون استقلال مالی پیدا کنند. در حال حاضر شرایط سیاسی اجازه همکاری نمی دهد و ربطی به مسائل امنیتی ندارد.

■ اگر تحریم نبود شرایط سیاسی حال حاضر وجود نداشت. پروژه های جدید بین المللی زیست محیطی را تعریف می کردید؟

آنها دستگیری محیط زیستی ها تا تأثیری در این موضوع ندارد الاّن خودمان در موضوع احیای یوز سر مابه گذاری بیشتری داریم. آمدن خارجی هایک حسن دارد که باعث می شود پروژه در سطح بین المللی مطرح شود. تمام هزینه ای که ژاپنی ها برای بررسی مشارکت اجتماعی در دریاچه ارومیه صرف کرده اند یک و نیم میلیون دلار است در حالی که دولت بیش از یک میلیارد دلار سرمایه گذاری کرده است؛ یعنی ۷۰۰ برابر ژاپنی ها اما هزینه دولت دیده نمی شود ولی مدام می گویند ژاپنی ها آمدند و در احیای دریاچه ارومیه سرمایه گذاری کردند.

■ بحث هامون را پیش کشیدید، محیط زیست چقدر در حوزه دیپلماسی آب فعالیت دارد؟

در حوزه دیپلماسی آب ایران و افغانستان، وزیر نیرو و مشغول رفت و آمد است و هنوز به تفاهمی با افغان ها نرسیده است. چون دیپلماسی آب هم تابع روابط سیاسی کشور است. شما نمی توانید محیط زیست را چون محیط زیست است از سیاست و روابط سیاسی کشور منفک کنید. مثلاً روابط ما با کشور ارمنستان بد نیست. حتی به خاطر روابط خوب با ارمنستان، همسایه دیگر ما یعنی جمهوری آذربایجان، از ما مکرر است. در طول ۷-۶ سال گذشته بیش از ۳۰ بار در سطح وزرای خارجه، محیط زیست، مرزبانی و منابع آبی با ارمنستان مذاکره کرده ایم اما هنوز که هنوز است ارمنی های مابین معادن شان را برای مثال، ماهی دوبار در «ارس» خالی می کنند.

در صورتی که این اقدام جرم بین المللی و جرم سیاسی است. ما با ارمنستان هم رفیق هستیم. عمل ارمنستان هم به صورت واضح تخلف محیط زیستی است اما به توافق نرسیده ایم. حال شما افغانستان را در نظر بگیرید که تفسیرش این است که خودش در بلا دست هامون است و می خواهد آب را پشت سدهایش نگذارد. وقتی ما با افغانستان صحبت می کنیم افغان ها می گویند طبق تعهدمان به شما ۸۲۶ میلیون متر مکعب آب در سال می دهیم اما بیشتر از آن را ضمانت نکرده ایم. ما می گوئیم آن ۸۲۶ میلیون متر مکعب برای استفاده کشاورزی و شرب است اما حقایقه زیست محیطی هامون داده نشده است. ولی افغان های می گویند تعهد ما در این حد است. شما می توانید آن ۸۲۶ میلیون متر مکعب را برای محیط زیست صرف کنید یا کشاورزی و آب شرب.

اختلاف سر این است و اختلاف کوچکی هم نیست. در گذشته افغانستان چیزی نداشت، سالی ۴ میلیارد متر مکعب آب به ایران می آمد. اما الان سدها را ساخته اند و تنها ۸۲۶ میلیون متر مکعب را می دهند ما باید این عدد را توزیع کنیم.

■ در واقع باید برنامه ریزی داخلی شود.

بله. باید روی این عدد برنامه ریزی کنیم که چقدر از آن را می توان به هامون داد تا گرد و غبار بلند نشود، چه قدر صرف کشاورزی شود و چقدر به زاهدان و زابل برود تا آب شرب آنجا تأمین شود. ما باید به مشکل خودمان را در داخل حل کنیم. از سوی دیگر فشارهایی هم روی دولت افغانستان است که با ایران به توافق نرسد.

■ سیاست های آبی افغانستان را هم امریکا، اروپا و ترکیه می نویسند.

بله، ما در ساختار سیاسی و دیپلماتیک پیچیده ای قرار داریم. زمانی که آقای اردکانی تازه از خارج آمده بود و تئوکرات هم بود، می گفت من با دو تا سفر موضوع را درست می کنم اما توانست با ۱۰ سفر هم موضوع را حل کند. چون مسائل پیچیده است.

■ احیای دریاچه ارومیه یکی از پروژه های است که دولت روحانی به آن افتخار می کند. برخی اعتقاد دارند که نقش شرایط جوی و ترسالی دو سال اخیر از پروژه های دولتی در احیای دریاچه ارومیه، بیشتر است. فکر می کنید چند سال آینده هم از احیای دریاچه ارومیه به عنوان یکی از دستاوردهای دولت روحانی نام ببرند؟

این چه حرف هایی است که می زنند. معلوم است که احیای دریاچه ارومیه منوط به بارش های متعارف دراز مدت است. اگر ما بارش های دراز مدت را داشته باشیم، دریاچه ارومیه احیا شده خواهد ماند اگر بارش نداشته باشیم دریاچه خزر هم خشک می شود. شما نمی توانید آب را خلق کنید، باید با خلق شده باشد تا شما دریاچه را احیا کنید.

مثال سال های ۸۸ و ۹۱ بارش ها مثل دوسال گذشته بود اما در همان زمان تراز دریاچه متأسفانه به طور متوسط ۴۰ سانت پایین رفت. چر آن زمان پایین رفتن بالا پایین نمی رود؟ کشاورزی هم تعطیل نشده است اما ما توانستیم سالانه ۸ درصد مصرف آب کشاورزی را از رودخانه ها کم کنیم و به دریاچه بدهیم. تولیدات نه تنها کم نشد که بهره وری تولید هم بالا رفت. در واقع، با سرمایه گذاری، آب اضافه کشاورزی کنترل شد. سر دره نه سدها مهندسی شده است و آب مورد نیاز کشاورزی داده و آب مرزها هم وارد دریاچه ارومیه می شود. برای آن هم ۳۰ هزار میلیارد تومان هزینه شده است.